



مدرسان شریف

فصل اول

«اسم، ضمیر و فعل»

معمولاً از مباحثی چون اسم، ضمیر و فعل سؤال چندانی در آزمون‌های سال‌های اخیر طراحی نشده است. این‌گونه مباحث بیشتر در آزمون‌های دهه ۸۰ مورد سنجش قرار می‌گرفتند و اکنون طراحان جدید به مباحث مهم‌تری می‌پردازند که در فصل‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت. در عین حال به‌منظور کمک هرچه بیشتر به داوطلبان ضعیف‌تر، ذکر این سه مبحث نیز اهمیت زیادی دارد. پس در بخش زیر هر یک از این مباحث را به‌طور خلاصه بررسی می‌کنیم.



اسم چیست؟ بسیار ساده است. اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن یک شخص، یک حیوان یا یک مفهوم خاص به کار می‌رود. مثلاً کتاب و علی در زبان فارسی و book و Ali در زبان انگلیسی. اسم‌ها می‌توانند قابل شمارش یا غیرقابل شمارش باشند. اسم قابل شمارش اسمی است که می‌توان آن را شمرد؛ مانند book. چون می‌توانیم بگوییم one book یا دو کتاب. واژه‌هایی مثل table, boy, cat و ... همگی در این دسته قرار دارند، چون همه آن‌ها را می‌توان شمرد. ولی اسم غیرقابل شمارش اسمی است که نمی‌توان آن را شمرد؛ مانند information. چون نمی‌توانیم بگوییم one information یا دو اطلاعات.

معمولاً قانون خاصی برای یادگیری اینکه کدام اسم‌ها قابل شمارش و کدام‌یک غیرقابل شمارش هستند وجود ندارد و تکنیک بالا نیز همیشه جوابگو نیست و بهترین راه این است که آن‌ها را حفظ کنیم. از این‌رو در قسمت زیر یک فهرست از اسامی غیرقابل شمارش تهیه شده است که می‌تواند به شما کمک شایانی کند. لازم به حفظ کردن این اسم‌ها نیست! فقط عنوان‌های کلی را حفظ کنید. مثلاً فراموش نکنید که مایعات و غذاها همه غیرقابل شمارش هستند.

- **Fluids** (مایعات) : blood, water, oil, coffee, tea, gasoline....
- **Foods** (غذا) : rice, sugar, fruit, milk, bread, butter, cheese
- **Raw materials** (مواد خام) : wood, paper, glass, iron, silver, wool
- **Gases** (گازها) : oxygen, nitrogen, air, pollution, steam....
- **General** (عمومی) : furniture, mail, money, traffic....
- **Academic subjects** (رشته‌های دانشگاهی) : chemistry, mathematics, physics, psychology, linguistics....
- **Languages** (زبان‌ها) : English, Chinese, Japanese, Spanish
- **Abstract things** (مفاهیم انتزاعی) : education, health, beauty, intelligence, knowledge, sleep, hope, music, time....

اسم‌های بالا معمولاً غیرقابل شمارش هستند. اینکه می‌گوییم معمولاً، به این دلیل است که ممکن است یک اسم مثل beauty یک جا معنای غیرقابل شمارش بدهد و یک جای دیگر قابل شمارش باشد. ولی نمی‌خواهیم بیشتر از این وارد این استثنایا بشویم، چون حالت‌های مختلفی دارد و مهم‌تر از همه اینکه از این مباحث در کنکور سؤال چندانی نیامده است؛ فقط برای آشنایی کلی با مبحث آن را مطرح کردیم.

نکته آزمون: یکی از ویژگی‌های اسم قابل شمارش این است که می‌توانیم قبل از آنها از a/an یا از یک عدد استفاده کنیم و یا آن‌ها را

به صورت جمع به کار ببریم.

a chair ⇒ chairs ⇒ two chairs

مثلاً:

a boy ⇒ boys ⇒ four boys

ولی اسم‌های غیرقابل شمارش این‌طور نیستند؛ یعنی قبل از آنها نمی‌توانیم از a/an یا عدد استفاده کنیم. همچنین نمی‌توانیم آن‌ها را به صورت

جمع به کار ببریم. مثل:

information ⇒ ~~one information~~ ⇒ informations

gold ⇒ ~~golds~~ ⇒ two-golds



گفتیم می‌توان به اسم قابل شمارش S جمع اضافه کرد، اما این قاعده شامل همه اسم‌ها نمی‌شود؛ برخی از اسم‌ها مثل mathematics (ریاضی)، physics (فیزیک)، linguistics (زبان‌شناسی)، statistics (علم آمار)، economics (اقتصاد) و مواردی از این قبیل با اینکه آخر آنها S دارد، ولی این S متعلق به خود کلمه است و علامت جمع نیست، به این موارد دقت کنید. مثال:

Statistics is a branch of mathematics.

آمار شاخه‌ای از ریاضیات است.

To me, physics is a fascinating subject.

از نظر من، فیزیک رشته جالبی است.

اسم‌هایی هم وجود دارند که همیشه جمع هستند و همیشه هم با فعل جمع به کار می‌روند. مثال:

glasses	عینک	jeans	شلوار جین	stairs	پله‌ها
trousers	شلوار	belongings	متعلقات، وسایل	people	مردم
earnings	عایدات	goods	کالا	scissors	قیچی
pants	شلوار	police	پلیس	clothes	لباس

Several police were injured during the rioting.

چند پلیس طی شورش مصدوم شدند.

At least 40 people were killed.

حداقل ۴۰ نفر کشته شدند.

نکته آخر اینکه اسم می‌تواند فاعل یا مفعول باشد؛ مثلاً در جمله "David bought two books"، David فاعل است و book مفعول. اسم می‌تواند از چند کلمه هم تشکیل شده باشد که در این صورت به آن عبارت اسمی می‌گویند؛ مثل the source of the money که از چند اسم تشکیل شده که باز هم می‌تواند فاعل یا مفعول باشد.

Example 1: The people attending the MBA conference in Tehran are not

- 1) mathematic's professors
- 2) mathematics professor
- 3) mathematics professors
- 4) mathematic professors

پاسخ: گزینه «۳» افرادی که در کنفرانس MBA در تهران شرکت می‌کنند، پروفیسورهای ریاضیات نیستند.

توضیح گرامری: علم ریاضی را mathematics می‌گویند نه mathematic و چون people جمع است، professor هم باید جمع باشد. به مثال زیر توجه کنید:

The boy is a teacher. ⇒ The boys are teachers.

ضمایر

دقیقاً مثل زبان فارسی، ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری کند. مثال زیر و ترجمه‌اش را ببینید:

The boy is 25 years old. The boy is married. آن پسر ۲۵ سال سن دارد. آن پسر متأهل است.

توضیح: واژه the boy یا آن پسر در اینجا دو بار به کار رفته و چه در فارسی و چه انگلیسی خیلی متداول نیست؛ پس بهتر است در جایگاه دوم آن را با ضمیر مناسب جایگزین کنیم. یعنی داریم:

The boy is 25 years old. He is married. آن پسر ۲۵ سال سن دارد. او متأهل است.

تقسیم‌بندی ضمایر: ضمایر دقیقاً مثل زبان فارسی به انواع زیر تقسیم می‌شوند. حتماً این ضمایر را همراه با جایگاهشان حفظ کنید که اگر از آن‌ها سوالی آمد، به راحتی بتوانید جواب بدهید.

۱- ضمیر فاعلی: این ضمایر همانطور که از اسم آنها پیداست، به جای فاعل می‌نشینند و دقیقاً مثل «من، تو، او، ما و...» فارسی به کار می‌روند. لیست کامل آن‌ها در جدول زیر آمده است.

	مفرد	جمع
اول شخص	I	we
دوم شخص	you	you
سوم شخص	he / she / it	they

به مثال‌های زیر توجه کنید:

We live in Tehran.

ما در تهران زندگی می‌کنیم.

My wife and I are related.

همسر من از خویشاوندان من است.



۲- **ضمایر مفعولی:** این ضمایر یا به جای **مفعول** می‌آیند و یا این‌که بعد از **حرف اضافه** به کار می‌روند و مثل ضمایر فاعلی به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می‌شوند، ولی فرق آنها در این است که این ضمایر به جای مفعول می‌آیند. لیست کامل این ضمایر در جدول زیر آمده است:

	مفرد	جمع
اول شخص	me	us
دوم شخص	you	you
سوم شخص	him / her / it	them

He loves me.

او من را دوست دارد.

We buried him.

ما او را دفن کردیم.

Between you and me (not I), he is smoking.

بین خودمان باشد، او سیگار می‌کشد.

Learning English is easy for us.

یادگیری انگلیسی برای ما آسان است.

Example 2: Moby Dick is a mythical account of evil and revenge as shown by Captain Ahab's pursuit of the whale that had wounded earlier in life.

1) he

2) his

3) him

4) to him

پاسخ: گزینه «۳» «موبی دیک»، داستانی در مورد شرارت و انتقام است که در قالب ماجرای تعقیب یک نهنگ که وی را قبلاً زخمی نموده توسط ناخدا ایهب بیان گردیده است.

توضیح گرامری: wound به معنی زخمی کردن، فعل است و چون جای خالی بعد از فعل قرار گرفته است، می‌توانیم بگوییم جای خالی باید حتماً با مفعول پر شود. پس به ضمیر مفعولی نیاز دارد که فقط *him* است که ضمیر مفعولی است. به عنوان یک قانون کلی یادتان باشد که معمولاً ضمایر فاعلی قبل از فعل می‌آیند ولی ضمایر مفعولی بعد از فعل.

Example 3: For they, the most rewarding shipwreck found was the HMS Associated.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» تحسین‌برانگیزترین کشتی به گل نشسته از نظر آنها HMS Associated بود.

توضیح گرامری: *they* یک ضمیر فاعلی است که قبل از فعل می‌آید. *them* یک ضمیر مفعولی است که بعد از حرف اضافه به عنوان مفعول می‌آید. پس گزینه (۱) باید به *them* تبدیل شود.

۳- **ضمایر ملکی:** ضمایر ملکی نشان‌دهنده مالکیت هستند و معمولاً بعد از فعل *to be* می‌آیند و به صورت «مال من، مال تو و ...» ترجمه می‌شوند. مثلاً اگر بخواهیم بگوییم «کتاب مال من است»، می‌گوییم «the book is mine» یا اگر بخواهیم بگوییم «مال تو»، باید بگوییم «yours» و ... لیست این ضمایر به همراه چند مثال در جدول زیر آمده است:

	مفرد	جمع
اول شخص	mine	ours
دوم شخص	yours	yours
سوم شخص	his / hers	theirs

The purse is hers.

این کیف، مال او است.

I couldn't work in Mary's room. Hers is even smaller than yours or mine.

نمی‌توانستم در اتاق مری کار کنم. اتاق او از اتاق تو و من هم کوچک‌تر است.

Whose book is this? This book is mine.

این کتاب مال چه کسی است؟ این کتاب مال من است.

۴- **ضمایر انعکاسی:** این ضمایر نشان‌دهنده بازتاب دوباره فاعل یا مفعول هستند و به صورت «خودم، خودت، خودش و ...» ترجمه می‌شوند و دقیقاً مثل «خودم، خودت و ...» در زبان فارسی استفاده می‌شوند. مثلاً اگر بخواهیم بگوییم «من خودم» می‌گوییم «I myself». لیست کامل این ضمایر در جدول بعد به همراه چند مثال آمده است تا کاملاً با آنها آشنا شوید.



	مفرد	جمع
اول شخص	myself	ourselves
دوم شخص	yourself	yourselves
سوم شخص	himself / herself / itself	themselves

You yourself answered the telephone.

You answered the telephone yourself.

You yourselves are the guilty ones.

He himself takes care of the baby.

۵- **ضمایر دوطرفه:** این ضمایر شامل *each other* و *one another* می‌شوند که معنی هر دو ضمیر می‌شود «همدیگر». دقیقاً مثل زبان فارسی، این دو ضمیر معمولاً به‌عنوان فاعل استفاده نمی‌شوند.

They amused each other by telling stories.

Many witnesses contradicted one another.

۶- **ضمایر ظاهری:** ضمایر ظاهری شامل *it* و *there* می‌شوند. این دو ضمیر جالب هستند و از آن‌ها در کنکور هم سؤال آمده است. این ضمایر هیچ نقشی را در جمله ایفا نمی‌کنند! یعنی درست است که جای فاعل می‌آیند ولی فاعل ظاهری هستند نه فاعل واقعی. از *it* برای بیان زمان، فاصله و آب‌وهوا استفاده می‌شود. مثال:

(زمان) It's eleven o'clock.

(فاصله) It's two miles to the town.

(وضع هوا) It is raining.

از *there* قبل از فعل *to be* استفاده می‌شود و با هم به‌صورت «وجود دارد، هست» ترجمه می‌شوند. هم‌چنین می‌تواند قبل از افعال *appear*, *seem* و... استفاده شود. مثال:

There are two ways to do it.

There seems to be two reasons for her success.

نکته آزمون: معمولاً در سؤالاتی که از این بخش می‌آید، طراحان سؤال به‌جای *there* از *it* استفاده می‌کنند که کاملاً غلط است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Correct: There's a lot of crime now in the city center.

Incorrect: It's a lot of crime now in the city center.

در حال حاضر جرائم بسیاری در مرکز شهر وجود دارد.

Correct: There isn't much room inside his car.

Incorrect: It isn't much room inside his car.

جای زیادی در ماشین او وجود ندارد.

۷- **ضمایر اشاره:** این ضمایر شامل *these* و *this* و *those* و *that* می‌شوند. دوتای اول برای اشاره به نزدیک به‌کار می‌روند و هر دو ضمیر به معنی «این» هستند. از *this* قبل از اسم مفرد و از *these* قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم؛ مثال: *this teacher* (این معلم) و *these teachers* (این معلم‌ها). از دوتای دومی برای اشاره به دور استفاده می‌کنیم، به همین دلیل است که آن‌ها را به‌صورت «آن» ترجمه می‌کنیم. از *that* قبل از اسم مفرد و از *those* قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم. مثال: *that teacher* (آن معلم) و *those teachers* (آن معلم‌ها).

نکته آزمون: آخرین مبحث در مورد ضمیرها که خیلی هم مهم است و بسیار تست‌خیز هم هست، این است که طراحان سؤال اسم و ضمیر را با هم استفاده می‌کنند، که این درست نیست و فقط باید از یکی از آنها استفاده شود. مثلاً می‌گویند *the man he arrived* (آن مرد او رسید). در این حالت یا باید *the man* یا *he* حذف بشود؛ چون کاربرد آنها با هم نادرست است. خیلی ساده به نظر می‌آید؛ ولی خیلی مبحث مهمی است. برای این که بهتر متوجه شوید به مثال زیر دقت کنید:

Incorrect: My teacher he said that, "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

Correct: My teacher said that "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

معلم من گفت برای تمرین درک شنیداری به اخبار رادیو گوش کنید.

Example 4: I was very shocked to see how much my grandmother she had aged since that last time we visited.

1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۳» زمانی که متوجه شدم مادربزرگم چقدر از آخرین باری که ما همدیگر را دیده‌ایم، پیرتر شده است، شوکه شدم. **توضیح گرامری:** چون *she* و *my grandmother* به یک نفر برمی‌گردد، نباید هر دو به عنوان فاعل استفاده شود. پس گزینه (۳) یعنی *she* باید حذف شود.

Example 5: The plants that they belong to the family of Ferns are quite varied in their size and structure.

1 2 3 4

پاسخ: گزینه «۱» گیاهانی که به خانواده سرخس تعلق دارند، بنا به اندازه و ساختار با هم تفاوت دارند. **توضیح گرامری:** *the plants* و *they* به یک چیز برمی‌گردد. پس *they* باید حذف شود.

فعل

فعل کلمه‌ای است که عملی را در زمان گذشته، حال یا آینده نشان می‌دهد. معمولاً برعکس زبان فارسی که فعل در آخر جمله می‌آید، در انگلیسی فعل بعد از فاعل یا فعل کمکی می‌آید. مثال:

The man died. / He has arrived. / she killed the rat.

تقسیم‌بندی فعل‌ها: فعل‌ها را در زبان انگلیسی به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌کنند. در اینجا به چند نوع فعل که در ادامه با آنها سروکار داریم، می‌پردازیم:

۱- **فعل ربطی:** این فعل‌ها شامل *be, appear, become, look, remain, seem, taste, feel, smell* و *sound* می‌شوند.

۲- **فعل متعدی و لازم:** هر فعلی می‌تواند یا متعدی یا لازم باشد. فعل متعدی چیست؟ فعل متعدی فعلی است که باید بعد از آن مفعول بیاید ولی فعل لازم به هیچ وجه به مفعول نیاز ندارد. طبیعتاً تفکیک همه افعال بر اساس متعدی یا لازم بودن نه تنها در این کتاب، بلکه در هیچ کتاب دیگری هم ممکن نیست. فقط یک نکته ساده وجود دارد که می‌تواند در این زمینه به شما کمک کند. در فارسی برای اینکه ببینیم فعلی متعدی است یا نه، از تکنیک «چه چیزی را؟ چه کسی را؟» استفاده می‌کنیم. بنابراین هر فعلی که با این تکنیک جواب بدهد، متعدی است. بسیاری از افعالی که در فارسی متعدی هستند در انگلیسی هم متعدی هستند یا برعکس، بسیاری از فعل‌هایی که در فارسی لازم هستند در انگلیسی هم لازم هستند. مثلاً کشتن (*kill*), خوردن (*eat*), آوردن (*bring*), دیدن (*see*) و... در هر دو زبان متعدی هستند و افعالی مثل آمدن (*come*), رسیدن (*arrive*), رفتن (*go*) و... در هر دو زبان لازم هستند.

۳- **فعل دو مفعولی:** این فعل‌ها همانطور که از اسم آنها پیداست، به دو مفعول نیاز دارند که یکی از مفعول‌ها مستقیم و دیگری غیرمستقیم است. تفکیک این دو مفعول بسیار ساده است. دقت کنید که همیشه مفعولی که موجود زنده است، مفعول غیرمستقیم است. مثال:

My wife sent me a flower

همسرم برای من گل فرستاد.

توضیح: مثلاً در این مثال، *me* که موجود زنده است، مفعول غیرمستقیم است ولی *a flower* مفعول مستقیم است. فعل‌هایی که دو مفعولی هستند تعدادشان زیاد نیست. در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

Send, bring, cook, buy, make, give, lend, sell, tell, post etc.

1. We gave them a Christmas card.

ما به آنها کارت کریسمس دادیم.

2. He bought his mother some flowers.

او برای مادرش گل خرید.

توضیح: در این دو مثال، *them* و *his mother* هر دو مفعول غیرمستقیم هستند، چون موجود زنده می‌باشند و *a Christmas card* و *some flowers* هم هر دو مفعول مستقیم هستند. این فعل‌ها یک نکته دیگر هم دارند. اگر دقت کنید می‌بینید که در سه مثال بالا، اول مفعول غیرمستقیم و بعد مفعول مستقیم را آوردیم. می‌توانیم جای مفعول مستقیم و غیرمستقیم را عوض کنیم ولی اگر این کار را انجام دهیم، قبل از مفعول غیرمستقیم باید حرف اضافه *for* یا *to* بیاید. یعنی سه تا مثال بالا به این صورت می‌شوند:

My wife sent a flower **to** me // We gave a Christmas card **to** them // He bought some flowers **for** his mother.

زمان‌ها: معمولاً در زبان انگلیسی ۱۲ زمان وجود دارد که خوشبختانه همه‌ی آنها پرکاربرد نیستند. فقط هفت - هشت زمان خیلی پرکاربرد هستند که فقط آنها را بررسی می‌کنیم. بنابراین لازم به خواندن بقیه زمان‌ها نیست چون از آنها سؤال نمی‌آید. همانطور که می‌دانید، فعل‌ها در هر زبانی که باشند سه زمان را نشان می‌دهند: گذشته، حال و آینده که هر کدام از آنها چهار حالت ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری دارند. چون حالت کامل استمراری کاربرد زیادی ندارد، ما هم به آن نمی‌پردازیم. اکنون زمان‌های ساده را بررسی می‌کنیم:

زمان‌های ساده: فرق «دیدم»، «می‌بینم» و «خواهم دید» چیست؟ تفاوت آنها در این است که یکی در زمان گذشته انجام شده، یکی در حال و یکی قرار است در آینده انجام شود. بنابراین زمان‌های ساده که شامل گذشته ساده، حال ساده و آینده ساده می‌شود هیچ فرق خاصی با هم ندارند، جز اینکه تغییر زمانی را نشان می‌دهند.



حالا یکی یکی این سه زمان را توضیح می‌دهیم تا متوجه بشوید. با گذشته ساده شروع می‌کنیم:

۱- **زمان گذشته ساده:** زمان گذشته ساده وقتی به کار می‌رود که ما قرار است در مورد یک عادت یا یک رویداد یا کاری صحبت کنیم که در گذشته صورت گرفته و تمام شده است. فعل‌های این زمان به صورت «رفتم»، «دیدم»، «شنیدم» و ... ترجمه می‌شوند. به مثال‌های زیر و ترجمه‌های آن دقت کنید تا خیلی راحت‌تر از آن چه که تصور را کنید این زمان را یاد بگیرید. هر جایی که متوجه نشدید به ترجمه‌های نگاه کنید، چون این زمان‌ها را در فارسی هم داریم:

1. I asked her a lot of questions, but she didn't answer. من از او سؤالات بسیاری پرسیدم ولی او جواب نداد.
2. He always went to the same park every evening. او همیشه بعد از ظهرها به همان پارک می‌رفت.
3. We won a gold medal last year. سال گذشته یک مدال طلا برنده شدیم.

فعل‌ها به یکی از دو روش زیر گذشته می‌شوند:

روش اول به این صورت است که «d» یا «ed» را به انتهای فعل اضافه کنیم. بیشتر فعل‌ها به همین روش گذشته می‌شوند، به همین دلیل به این فعل‌ها با قاعده می‌گویند. مثل kill که می‌شود killed, arrive که می‌شود arrived و یا همان ask مثال ۱ که شده asked.

روش دوم این است که بعضی از فعل‌ها بی‌قاعده هستند یعنی به روش بالا نمی‌توانیم آنها را تبدیل به گذشته کنیم و به عبارتی قاعده‌مند نیستند. تعداد این فعل‌ها هم تقریباً زیاد است ولی خدا رو شکر از آنها سؤال نمی‌آید، فقط محض اطلاع آنهایی که می‌خواهند بدانند گفتیم. (مثل فعل‌های مثال ۲: go → went و win → won) زمان گذشته از گوی زیر پیروی می‌کند.

فعل زمان گذشته + فاعل

۲- **زمان حال ساده:** از زمان حال ساده وقتی استفاده می‌کنیم که بخواهیم در مورد یک رویداد یا یک عادت در زمان حال یا یک حقیقت یا گفته علمی صحبت کنیم. خیلی از متن‌های علمی به این زمان نوشته می‌شوند. فعل‌های این زمان به صورت «می‌بینم، می‌خورم» است و بر این مبنا ترجمه می‌شوند. می‌توانید الگوی این زمان را همراه با چند مثال در قسمت زیر ببینید.

فعل زمان حال + فاعل

1. I see him in the class every day. هر روز او را در کلاس می‌بینم.
2. The sun rises in the East. خورشید از شرق طلوع می‌کند.
3. I run every morning. من هر صبح می‌دوم.
4. The bank opens at 8:00. بانک ساعت ۸ شروع به کار می‌کند.
5. You have a brother. تو یک برادر داری.

به خاطر بسپارید که فعلی که در زمان حال بعد از فاعل می‌آید، یا باید کاملاً ساده باشد یا همراه «s» یا «es» باشد. از حالت ساده وقتی استفاده می‌کنیم که فاعل، اسم جمع است یا به صورت ضمیر فاعلی I, you, we یا they باشد (مثل مثال‌های ۱، ۳ و ۵) و حالت همراه با s یا es - زمانی استفاده می‌شود که فاعل ما اسم مفرد یا she, he, it باشد (مثل‌های ۲ و ۴).

۳- **زمان آینده ساده:** حال می‌توانیم با تکیه به دو زمان قبلی این زمان را تعریف کنیم. از زمان آینده وقتی استفاده می‌کنیم که می‌خواهیم در مورد یک رویداد یا کاری در آینده صحبت کنیم. این زمان به صورت «خواهم ...» و «خواهی ...» ترجمه می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

شکل ساده فعل + will + فاعل

- او کار را به خوبی انجام خواهد داد. He will do the job well.
 ما فردا در خانه خواهیم ماند. We will stay home tomorrow.
 من ساعت ۱۲ ناهار خواهم خورد. I will eat lunch at 12:00.
 تو مسابقه را خواهی برد. من می‌دانم. You will win the race. I know it.

Example 6: During the two centuries between Herschel and Voyager, relatively little is learned about the Planet

1

2

3

4

Uranus.

✓ پاسخ: گزینه «۴» طی دو قرن فاصله بین هرشل و وایجر، چیزهای نسبتاً اندکی درباره سیاره اورانوس آموخته شد.

توضیح گرامری: هرشل و وایجر دو مأموریت فضایی بودند که طی زمان خاصی در گذشته رخ داده است و الان دیگر تمام شده‌اند. پس *is learned* باید به صورت *was learned* باشد. به ترجمه جمله هم اگر دقت کنید کاملاً به صورت گذشته می‌باشد.

زمان‌های استمراری: این زمان‌ها نشان‌دهنده استمرار یک عمل هستند و دقیقاً مثل زمان‌های ساده، به سه دسته «گذشته استمراری، حال استمراری و آینده استمراری» تقسیم می‌شوند. در ادامه هر کدام را بررسی می‌کنیم:

۱- زمان گذشته استمراری: حال این جمله را ببینید: «داشتم تلویزیون می‌دیدم». این جمله چه چیزی را نشان می‌دهد؟ نشان می‌دهد که یک عملی (تماشای تلویزیون) در یک زمانی (گذشته، مثلاً دیروز بعد از ظهر) به صورت مستمر انجام شده است. خوب پس می‌توانیم بگوییم زمان گذشته استمراری زمانی است که در یک زمان خاصی در گذشته استمرار داشته است. این زمان به صورت «داشتم، داشتی و...» ترجمه می‌شود. به الگو و مثال‌های زیر توجه کنید:

ing + فعل + was / were + فاعل

He was watching TV when I went home last night.

وقتی دیشب به خانه رفتم، او داشت تلویزیون تماشا می‌کرد.

I was making many new friends at the Olympic village.

من داشتم با افراد زیادی در دهکده المپیک دوست می‌شدم.

While I was taking a shower, the telephone rang.

موقعی که داشتم دوش می‌گرفتم، تلفن زنگ زد.

While you were speaking, I was not working.

وقتی شما داشتید صحبت می‌کردید، من کار نمی‌کردم.

۲- زمان حال استمراری: این زمان مثل زمان گذشته استمراری است. فقط به صورت «دارم، داری... یا در حال...» ترجمه می‌شود و نشان‌دهنده‌ی عملی است که به صورت استمراری در زمان حال در حال انجام است. به الگو و مثال‌های زیر دقت کنید:

ing + فعل + am / is / are + فاعل

I am reading a novel right now.

من اکنون در حال خواندن یک رمان هستم.

He is studying English at the present time.

او در حال حاضر در حال مطالعه‌ی انگلیسی است.

They are playing ping-pong now.

آنها اکنون در حال بازی پینگ‌پنگ هستند.

۳- زمان آینده استمراری: زمان آینده استمراری نشان‌دهنده زمانی است که قرار است در آینده به صورت استمراری انجام بشود. مثل این جمله: «هفته بعد در حال تماشای تلویزیون خواهم بود». خوب همان‌طور که می‌بینید، این جمله به عملی اشاره دارد که قرار است یک روزی در آینده و به صورت استمراری رخ بدهد. پس با این حساب این زمان به صورت «در حال خواهم / خواهی ... بود» ترجمه می‌شود. مثال‌ها و الگوهای آن هم در قسمت زیر آمده است، ببینید و کامل حفظ کنید.

ing + شکل ساده فعل + shall / will + be + فاعل

This time next week I will be studying for the exam.

هفته آینده همین موقع من در حال مطالعه برای امتحان خواهم بود.

They will be bringing up their kid this time next year.

سال آینده در چنین زمانی آنها در حال بزرگ کردن فرزندشان خواهند بود.

با بررسی مثال‌های بالا، الان باید تفاوت زمان‌های ساده با زمان‌های استمراری را فهمیده باشید. یک بار دیگر برای آن‌هایی که متوجه نشدند می‌گویم، تفاوت این دو در این است که یکی استمرار را نشان می‌دهد و یکی عدم استمرار را. مثلاً شباهت و فرق گذشته ساده با گذشته استمراری این است که هر دو در گذشته اتفاق افتاده‌اند. ولی یکی استمرار دارد و یکی ندارد و این دست نویسنده و گوینده است که این استمرار را نشان بدهد یا نه. برای همین می‌توانیم جای گذشته ساده را با گذشته استمراری عوض کنیم، فقط معنی آن عوض می‌شود. مثال:

I watched TV yesterday (گذشته استمراری). I was watching TV yesterday (گذشته ساده)

هر دو مثال بالا صحیح هستند و فقط تفاوت معنایی و شیفت زمانی بین آنها وجود دارد، چون اولی به صورت «من دیروز تلویزیون تماشا کردم» و دومی به صورت «من دیروز در حال تماشای تلویزیون بودم» ترجمه می‌شوند. این نکته را از این بابت یادآور می‌شویم که شما فکر نکنید در آزمون با تستی مواجه می‌شوید که یک گزینه گذشته ساده باشد و گزینه دیگر گذشته استمراری. یا حتی اگر اینطور هم باشد یک نشانه‌ای وجود دارد که یکی از آنها نادرست باشد و دیگری صحیح. همین وضعیت در مورد حال ساده و حال استمراری و آینده ساده و آینده استمراری هم صدق می‌کند.

زمان‌های کامل: زمان‌های کامل هم مثل دو زمان قبلی به سه گروه «گذشته کامل، حال کامل و آینده کامل» تقسیم می‌شود. آینده کامل که تقریباً کاربرد چندانی ندارد، پس ما هم در مورد آن بحث نمی‌کنیم. اما دو مورد دیگر مهم هستند و از آنها در کنکور سؤالاتی آمده است. یکی از نشانه‌های زمان‌های کامل، PP یا شکل سوم فعل است که در افعال باقاعده با افزودن «ed» یا «d» به فعل ساخته می‌شود. دقت کنید که در افعال باقاعده شکل گذشته و شکل سوم فعل شبیه هستند و فرقی ندارند. مثلاً killed هم می‌تواند شکل گذشته باشد و هم شکل سوم فعل. یا played هم می‌تواند گذشته باشد هم شکل سوم و ... افعال بی‌قاعده از این قانون پیروی نمی‌کنند و به طریق مختص خود PP می‌شوند. همچنین گفتیم افعال بی‌قاعده به روش خود گذشته می‌شوند و از قواعد پیروی نمی‌کنند، که از این نکته هم سؤال نمی‌آید و فقط محض اطلاع بیان شد.



۱- گذشته کامل: این مثال فارسی را ببینید، «زمانی که به خانه رسیدم، علی غذایش را خورده بود». این مثال کاملاً گویاست که جمله در گذشته رخ داده است. ولی از بین دو عمل صورت گرفته، یک عمل زودتر از دیگری رخ داده است. کدام عمل زودتر صورت گرفته است؟ «خوردن غذا». به این عمل، گذشته کامل یا همان ماضی بعید می‌گوییم. پس، از گذشته کامل موقعی استفاده می‌کنیم که یک عمل قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده و به صورت «... بودی و ...» یا به عبارتی ماضی بعید ترجمه می‌شود. مهمتر از همه این است که گذشته کامل هیچ وقت به تنهایی به کار نمی‌رود و همیشه باید به یک جمله گذشته ساده بچسبد. به الگو و مثال‌های زیر توجه کنید تا به‌طور کامل مبحث را بیاموزید:

قسمت سوم فعل + had + فاعل

وقتی که من آمدم، آن‌ها ناهار خورده بودند. When I came, they had eaten lunch.

زمانی که سارا به مهمانی رسید، پائول رفته بود. When Sara arrived at the party, Paul had already gone.

وقتی به آن‌جا رسیدم، او تازه آن‌جا را ترک کرده بود. She had just left when I arrived there.

توضیح: خب مثال‌ها گویای همه چیز است ولی همان‌طور که می‌بینید، همه مثال‌های گذشته کامل به یک مثال گذشته ساده چسبیده‌اند و به تنهایی به کار نرفته‌اند. همچنین به شکل PP فعل‌ها هم اگر نگاه کنید، همه از نوع بی‌قاعده هستند.

۲- حال کامل: از زمان حال کامل وقتی استفاده می‌کنیم که عملی در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد. این زمان دقیقاً مثل زمان ماضی نقلی فارسی است و به صورت «رفته‌ام، خورده‌ای و ...» ترجمه می‌شود. مثال‌ها و الگوی آن نیز به صورت زیر است:

قسمت سوم فعل (PP) + have / has + فاعل

مرکز شهر چنان تغییر کرده است که قابل شناسایی نیست. 1. The city centre has altered beyond recognition.

او به مدت ۵ ساعت کار کرده است. 2. He has worked for 5 hours.

آن‌ها از صبح قدم زده‌اند. 3. They have walked since this morning.

در همه‌ی مثال‌های بالا (مثلاً مثال ۲) عمل کار کردن در یک زمان خاص در گذشته شروع شده و تا الان ادامه داشته است. همچنین به شکل PP فعل‌ها دقت کنید، همه از نوع باقاعده هستند.

Example 7: Even though a member has ate too much the night before, the counselors will try to convince

1

2

3

4

him or her to stop eating again.

پاسخ: گزینه «۱» گرچه یکی از اعضا شب قبل پرخوری کرده است، مشاوران سعی خواهند کرد تا او را متقاعد کنند که پرخوری مجدد را کنار بگذارد.

توضیح گرامری: ate شکل گذشته است ولی همان‌طور که گفتیم، بعد از has به PP نیاز داریم، پس eaten درست است.

علائم و نشانه‌های زمانی: دقت کنید که زمان‌ها نشانه‌های خود را دارند. مثلاً نشانه‌های زمان گذشته در زبان فارسی چند سری قید مثل «دیروز، پارسال» یا یک سال مثل «۱۳۸۰» و از این قبیل می‌شوند. در زبان انگلیسی هم این‌گونه است. مثلاً علامت زمان گذشته «ago, yesterday» و مواردی از این قبیل وجود دارند. این علائم را الان برای شما توضیح می‌دهیم. دقت داشته باشید که این علائم اختیاری هستند یعنی هم می‌توانند در جمله باشند و هم نه:

زمان گذشته ساده: این زمان معمولاً با علائمی مثل ago last year, yesterday یا یک سال مثل ۲۰۰۱، ۱۹۹۰ و موارد این‌چنینی آورده می‌شود. مثال:

Mozart was an Austrian musician. He lived from 1756 to 1791.

وزارت یک موسیقیدان اتریشی بود. وی از سال ۱۷۵۶ تا ۱۷۹۱ زندگی می‌کرد.

زمان حال ساده: این زمان با قیدهای تکرار مثل frequently, always, sometimes, every day و ... می‌آید مثال:

همیشه در نوامبر باران می‌بارد. It always rains in November.

زمان آینده ساده: این زمان با کلماتی چون tomorrow, next year / week, in the future و با سال‌هایی که هنوز نیامده‌اند مثل ۲۰۵۰، ۲۰۶۰ و ... می‌آید. مثال:

ما فردا در خانه خواهیم ماند. We will stay home tomorrow.

زمان حال استمراری: این زمان با کلماتی مثل now, right now, at the moment و ... می‌آید. مثال:

در حال حاضر به دنبال شغل هستم. I am looking for a job at the moment.

زمان گذشته استمراری: علائم این زمان شامل **while** و **when** می‌شود. مثال:
 وقتی او داشت کتاب می‌خواند، من داشتم اخبار گوش می‌کردم.
I was listening to the news while she was reading a book.
 وقتی او برگشت ما داشتیم تلویزیون تماشا کردیم.
When she came back, we were watching TV.
 زمان حال کامل: این زمان معمولاً با علائمی مثل **already**, **since**, **for** و ... می‌آید.
 من از سال ۲۰۰۰ در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.
I have lived in the United States since 2000.
 من به مدت ۱۳ سال در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.
I have lived in the United States for 13 years.
 البته بین **since** و **for** تفاوت وجود دارد. **since** برای نشان دادن رأس زمان استفاده می‌شود و معنی «از» دارد ولی **for** برای نشان دادن بازه زمانی است و معنی «به مدت» می‌دهد.

Example 8: The property was ours. It to us.

- 1) belongs 2) belonged 3) belonging 4) does not belong

پاسخ: گزینه «۲» دارایی به ما تعلق داشت و مال ما بود.

توضیح گرامری: چون فعل جمله اول گذشته است، فعل جمله دوم هم به صورت گذشته "**belonged**" می‌آید.

Example 9: He was working in the office while I in the library.

- 1) was 2) am 3) had been 4) have been

پاسخ: گزینه «۱» او در دفتر مشغول انجام کار بود وقتی که من در کتابخانه بودم.

توضیح گرامری: **was working** فعل گذشته استمراری است که **while** هم نشانه‌ی آن است. فعلی که در جمله بعد از **while** می‌آید باید گذشته ساده یا گذشته استمراری باشد. فقط گزینه (۱) گذشته است.

Example 10: The popularity of game theory has varied..... economics. (فنی و مهندسی - علوم پایه - دکتری ۹۱)

- 1) to be introduced by 2) in order to introduce into
 3) since its introduction into 4) from its introduction by

پاسخ: گزینه «۳» محبوبیت «نظریه‌ی بازی» از زمان مطرح شدن آن در اقتصاد تغییر کرده است.

توضیح گرامری: **has varied** در صورت سؤال به زمان حال کامل است. در گزینه (۳) هم که **since** نشانه‌ی حال کامل است، پس همین گزینه را انتخاب می‌کنیم.

Example 11: With its radiant color and plantlike shape, the sea anemonea flower than an animal. (علوم انسانی - کشاورزی - هنر - دکتری ۹۴)

- 1) looks the same 2) is looking more like
 3) looks more like 4) is looking the same

پاسخ: گزینه «۳» شقایق دریایی با رنگ تابناک و شکل گیاه‌گونه خود، بیشتر شبیه یک گل است تا یک حیوان.

توضیح گرامری: یکی از کاربردهای زمان حال ساده بیان یک حقیقت علمی است. بنابراین گزینه‌های (۲) و (۴) هر دو نادرست هستند چون هر دو حال استمراری هستند. ضمناً شبیه بودن **look like** می‌باشد نه چیزی دیگری.

افعال کمکی

مبحث افعال کمکی بسیار ساده است و از آن سؤال خاصی هم نمی‌آید. قطعاً می‌دانید که جایگاه آن معمولاً قبل از فعل اصلی است، یعنی به صورت زیر:

It may rain tonight. (مفعول) + فعل اصلی + فعل کمکی + فاعل

امشب ممکن است باران ببارد.

بنابراین جای فعل کمکی مشخص شد. حالا باید نقش آن را بررسی کنیم. اولین نقش آنها این است که به معنی جمله چیزی را اضافه می‌کنند. مثلاً معادل انگلیسی «فارسی صحبت می‌کنم» میشه **I speak Persian**. حالا اگر بخواهیم بگوییم «می‌توانم فارسی صحبت کنیم» می‌گوییم **I can speak Persian**. در واقع فعل کمکی **can** را اضافه کردیم پس می‌توان گفت:

نقش آنها وقتی است که می‌خواهید به معنی جمله چیزی را اضافه کنید. دومین نقش آنها این است که فکر کنید می‌خواهید یک جمله را منفی کنید.

در این جا طبیعتاً از فعل کمکی استفاده می‌کنیم. در زبان فارسی اگر بخواهیم یک جمله را منفی کنیم، فقط کافی است فعل اصلی را به صورت منفی بگوییم؛ مثلاً پرو، می‌شود نرو. ولی در انگلیسی نباید فعل اصلی را منفی کنیم و به جای آن باید فعل کمکی را منفی کنیم؛ یعنی به آن **not** اضافه کنیم.

He can speak English ⇒ He can not speak English

مثال:



نقش سوم فعل‌های کمکی وقتی است که می‌خواهید یک جمله را به صورت سؤالی بگویید. مثلاً فرض کنید می‌خواهید جمله بالا را به صورت سؤال بگویید. چه کار می‌کنیم؟ جای فعل کمکی را با فاعل عوض می‌کنیم، به صورتی که در زیر می‌بینید:

He can speak English ⇒ Can he speak English?

پس نقش آنها هم مشخص شد.

افعال کمکی را به سه گروه تقسیم می‌کنند: فعل‌های کمکی نشان‌دهنده‌ی زمان، فعل کمکی do و فعل کمکی وجهی. در ادامه هر کدام را توضیح می‌دهیم.

الف - فعل‌های کمکی نشان‌دهنده زمان: در کل چهار فعل کمکی نشان‌دهنده زمان داریم که در زیر به آنها می‌پردازیم:

۱- be: به یاد دارید زمان گذشته استمراری و حال استمراری را چگونه می‌ساختیم؟ **be + verb + ing**. این **be** که در این الگو استفاده شده فعل کمکی است، آن هم از نوع نشان‌دهنده زمان و خودش شامل **was, are, is, am** می‌شود. به این دلیل به آن می‌گوییم فعل کمکی نشان‌دهنده زمان **am, is** و در زمان حال کاربرد دارند و **was** و **were** در زمان گذشته استفاده می‌شوند.

I was not watching TV. // I am writing a letter

مثال:

جالب اینجاست که از این فعل کمکی می‌توانیم به عنوان فعل اصلی هم استفاده کنیم.

He is twenty years old. // The book was mine.

مثال:

۲- فعل کمکی have: آیا به یاد دارید زمان گذشته و حال کامل چگونه ساخته می‌شود؟ با **have + PP** این **have** هم اینجا فعل کمکی است و شامل **has, have** و **had** می‌شود. **has** وقتی استفاده می‌شود که فاعل، مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد. **have** دقیقاً عکس **has** می‌شود و برای فاعل مفرد استفاده نمی‌شود و به جای آن با فاعل جمع یا ضمیر **I, you, we, they** استفاده می‌شود. **had** هم که شکل گذشته **have** و **has** است. مثال‌های زیر را ببینید:

I have washed the dishes. // Has the boy finished his food? // They had not watched TV.

از این فعل کمکی هم دقیقاً مثل فعل کمکی **be** می‌توانیم به عنوان فعل اصلی استفاده کنیم.

I have a book. // They have a dog.

مثال:

۳ و ۴- فعل کمکی will و shall: این دوتا فعل کمکی هم که برای زمان آینده به کار می‌روند. مثال:

I will talk to my boss tomorrow.

من فردا با رییس صحبت خواهم کرد.

ب - فعل کمکی do: فعل کمکی **do** خود شامل **do, does, did** می‌شود. از **did** برای زمان گذشته و از **do** و **does** برای زمان حال استفاده می‌شود. به این فعل کمکی می‌توانیم بگوییم فعل کمکی پنهان، چون مثل بقیه فعل‌های کمکی آشکار نیست. برای درک بیشتر این مسئله به مثال زیر توجه کنید:

The boy studies English.

آن پسر انگلیسی می‌خواند.

همان‌طور که مشاهده می‌کنید جمله بالا یک زمان حال ساده است اما فعل کمکی نداریم. حالا اگر بخواهیم این جمله را منفی یا سؤالی کنیم، باید چگونه عمل کنیم؟ باید از فعل کمکی استفاده کنیم؛ اما چون فعل کمکی ما مشخص نیست باید آن را از فعل اصلی استخراج کنیم. فعل اصلی ما **studies** است و چون به صورت **مفرد و زمان حال** است (در نتیجه فاعل هم باید مفرد باشد)، فعل کمکی که می‌توانیم از آن بیرون بکشیم **does** می‌شود، به دلیل این که مفرد است و سوم شخص و زمان حال. پس حالت منفی و سؤالی جمله بالا را می‌توانیم به این صورت بنویسیم:

The boy does not study English. // Does the boy study English?

اما حواستان باشد اگر فعل ما به صورت **جمع و زمان آن حال** باشد (و در نتیجه فاعل ما به صورت جمع یا ضمیری غیر از **she, he, it** باشد)، باید از فعل کمکی **do** استفاده کنیم مثال:

The boys study English. ⇒ The boys do not study English ⇒ Do the boys study English?

دقت کنید اگر زمان فعل گذشته باشد، از این فعل‌های کمکی استفاده نکنید. فعل کمکی باید **did** باشد.

The boy studied English ⇒ The boy did not study English ⇒ Did the boy study English?

نکته آزمون: فعلی که بعد از **do, does, did** می‌آید باید کاملاً ساده باشد؛ یعنی **es/s, ed/d, ing** نباید بگیرد.

Rowling did not write Harry Potter.

رولینگ هری پاتر را ننوشت.

ج - فعل کمکی وجهی: به این افعال **modal** هم می‌گویند. یک نکته که خیلی در مورد این افعال مهم است و از آن سؤال مطرح می‌گردد این است که نه خودش و نه فعلی که بعد از آن‌ها می‌آید هیچ کدام **s** سوم شخص یا **d** و **ed** و مواردی از این قبیل نمی‌گیرند و به صورت ساده به کار می‌روند. مثال:

He can sing. ×
He can sings. ×
He may can sing. ×
He can sing. ✓